

شیوه‌های حمایت از زنان خشونت دیده خانگی در اسناد بین‌المللی

محمد رضا الهی‌منش^۱، زهره قادری^۲

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده آزاد اسلامی واحد تهران شمال

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۲۸ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰)

چکیده

پدیده قدیمی خشونت خانگی علیه زنان، امروزه به عنوان نقض حقوق بشر زنان می‌باشد؛ و آن خشونتی است که در اصلیت ربن نهاد اجتماعی که جایگاه رشد، تربیت و جامعه‌پذیری افراد است رخ می‌دهد که توسط شوهر در محیط خانه و خانواده نسبت به همسر واقع می‌گردد و در آن شوه‌ر، بزه‌کار و همسر، بزه‌دیده تلقی می‌شود و که دارای پیامدهای ناگوار ری ب‌ر فرد و جامعه می‌باشد. یکی از علل فرار زنان از منزل، خودکشی زنان، ازدیاد طلاق به درخواست زنان و فروپاشی خانواده ناشی از آن می‌باشد خشونت خانگی علیه زنان به عنوان یکی از موضوعات اجتماعی مهم مورد توجه نظام‌های حقوقی کشورها و جامعه جهانی و سازمان ملل و خصوصاً مدافعان حقوق زنان بوده و شمار زیادی از اسناد سازمان ملل را به خود اختصاص داده است. از این رو شایسته است در این پژوهش با بهرگی ری از روش توصیفی و تحلیلی و با بررسی در اسناد سازمان ملل و نظام حقوقی ایران معلوم گردد که آیا زنان خشونت دیده خانگی در اسناد سازمان ملل و نظام حقوقی ایران مورد حمایت قرار گرفته‌اند؟ اگر مورد حمایت قرار گرفته‌اند به چه شیوه‌های؟ نتایج این بررسی نشان می‌دهد زنان خشونت دیده خانگی در اسناد سازمان ملل و نظام حقوقی ایران به شیوه‌های مختلف مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی: زنان، بزه‌دیده، حمایت، خشونت علیه زنان، خشونت خانگی.

Email: m.elahimanesh92@yahoo.com

۱. دکتر در حقوق جزا

تلفن: ۳۳۱۱۵۸۵۱ (۰۲۱) - دورنگار: ۳۸۵۸۲۱۰۹ (۰۲۱)

طرح مساله

خشونت خانگی علیه زنان، مساله ی جدید و پدیده‌ای ناشناخته برای جهانیان نمی‌باشد و آن از دیرباز تاکنون در همه کشورهای جهان از جمله در ایران کم و بیش مشهود است.

خشونت خانگی علیه زنان، یکی از عوامل مخرب بنیان و تحکیم خانواده و یکی از موارد مهم نقض حقوق و کرامت انسانی در محیط خانواده محسوب می‌شود که نتایج نامطلوب آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم در جامعه پدیدار می‌شود.

خشونت خانگی علیه زن، خشونتی است که توسط شوهر در خانه و حریم خصوصی به همسر روا داشته می‌شود و شوهر بزهکار و همسر بزه دیده تلقی می‌شود. این دو ویژگی ضرورت برنامه‌های ویژه و منفک از سایر خشونت‌ها را فراهم می‌کند. بدین معنا که از سویی باید به حریم خصوصی افراد احترام نهاد و از مداخله خودسرانه جلوگیری نمود و از سویی دیگر از حقوق فرد در معرض خشونت یا خشونت دیده نیز دفاع و حمایت کرد. بنابراین دست اندرکاران امر باید با برقراری این تعادل و توازن را در تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌های مربوطه مدنظر قرار دهند.

در خشونت خانگی علیه زنان، مساله مهم دیگر این است که به چه شیوه‌ای باید با بزهکاران و عاملان آن برخورد شود؟ و به چه شیوه‌ای از بزه دیدگان آن حمایت کرد؟ آیا با ابزار و شیوه کیفری؟ یا با ابزار و شیوه مدنی و غیر کیفری؟ یا با هر دو ابزار هم شیوه کیفری و هم مدنی؟ یا نسخه واحدی نپیچیده و حسب مورد ارزیابی شود که کدام شیوه مفیدتر و موثرتر است.

سپس بر اساس آن، رویکرد خودمان را تعیین نماییم. به نظر می‌رسد ساختار سیاسی هر جامعه باید با توجه به نظام حقوقی و قضایی خود این معضل را برطرف نماید و بر این اساس باید خلأهای موجود مورد بررسی قرار گیرد و برای مقابله و مهار و کاهش و پیشگیری و پاسخ به آن سؤالات به فکر چاره و راه حل باشد تا از فروپاشی خانواده‌ها جلوگیری نماید.

هدف از نگارش این مقاله، بررسی اسناد سازمان ملل و نظام حقوقی ایران است تا معلوم نماید، زنان خشونت دیده خانگی مورد حمایتشان قرار گرفته یا خیر؟ اگر مورد حمایت قرار گرفته به چه شیوه‌ای؟ لذا بدو ا با ارائه تعریفی از خشونت خانگی علیه زنان، مطالب مقاله را دو بخش ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بخش اول- شیوه حمایت از زنان خشونت دیده خانگی در اسناد بین‌المللی

بخش دوم- شیوه حمایت از زنان خشونت دیده خانگی در نظام حقوقی ایران

تعریف خشونت خانگی علیه زن

در بررسی مفهوم «خشونت خانگی علیه زن» سه سؤال قابل طرح است. یکی اینکه آن خشونت در کجا بروز می‌یابد؟ دوم اینکه اعمال کننده و بزه‌کار آن کیست؟ سوم اینکه بزه دیده و قربانی و تحمل کننده آن کیست؟ خشونت از نظر محل بروز، به خشونت در خانه «خشونت خانگی»، خشونت در محل کار و خشونت در جامعه، طبقه بندی شده است.

خشونت خانگی یعنی خشونت اعضای خانواده علیه یکدیگر در فضای خانه می‌باشد. با توجه به اینکه خانواده با ازدواج یک مرد و زن تشکیل می‌شود و با فرزندان توسعه می‌یابد، و اعضای خانواده در خانه در کنار همدیگر با مودت و م‌حبت و همکاری زندگی مسالمت آمیز می‌نمایند، ممکن است در بین آنها خشونت رخ می‌دهد.

این خشونت ممکن است توسط شوهر نسبت به همسر اعمال شود که از آن تعبیر به همسر آزاری یا خشونت خانگی علیه زن می‌شود و یا توسط همسر به شوهر اعمال می‌شود [شوهر آزاری] و یا توسط والدین یا از سوی پدر یا مادر نسبت به فرزند اعمال شود [فرزند آزاری] و یا توسط خواهر به خواهر یا برادر به خواهر [خواهر آزاری] و یا توسط برادر به برادر [برادر آزاری] و یا توسط فرزند به والدین

[والدین آزاری] یا توسط فرزند به پدر [پدر آزاری] یا توسط فرزند به مادر [مادر آزاری] اعمال می‌شود و هر یک از آنها می‌توانند اعمال کننده خشونت (بزه‌کار (به طرف مقابلشان) بزه دیده یا قربانی (باش) د. در پژوهش پیش رو بررسی خشونت خانگی صرفاً متمرکز به خشونت شوهر نسبت به همسر در خانه می‌باشد و از توضیح و تبیین سایر انواع خشونت صرف نظر می‌شود.

در نظام حقوقی ایران تعریفی از خشونت، خشونت علیه زن، خشونت خانگی، خشونت خانگی علیه زن بیان نشده است و لکن کنوانسیون اروپایی پیشگیری و مهار خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (استانبول) مصوب سال ۲۰۱۱ آن را بیان داشته که به موجب این سند «خشونت خانگی به کلیه اقدامات فیزیکی، جنسی، روانی یا اقتصادی گفته می‌شود. که در خانواده و یا در یک واحد داخلی و یا میان همسران یا شرکای سابق یا فعلی اتفاق می‌افتد. چه مرتکب با بزه دیده سکونت مشترکی داشته

باشد و چه نداشته باشد^۱. و به طور کلی در تعریف خشونت خانگی علیه زن می‌توان گفت: «هر گونه خشونتی است که از سوی شوهر در خانه به همسر اعمال می‌گردد و باعث سلب حیات یا ایراد صدمات بدنی، روحی و روانی و عاطفی، جنسی یا مالی و یا سوء استفاده اقتصادی یا کنترل رفتارها می‌شود، که اثرات نامطلوب آن به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر روی جسم و روان زن خشونت دیده قابل مشاهده و ادراک می‌باشد». پس بنابراین خشونت خانگی علیه زن، خشونتی است که توسط شوهر در خانه نسبت به همسر اعمال می‌شود که در آن شوهر به عنوان بزهکار و همسر به عنوان بزه دیده می‌باشد.

بخش اول: شیوه حمایت از زنان خشونت دیده خانگی در اسناد بین‌المللی
خشونت خانگی علیه زنان، مساله‌ای اجتماعی جهانی و خشونت مبتنی بر جنسیت است که در میان همه ملل، فرهنگ‌ها، طبقات و قومیت‌ها اتفاق می‌افتد و به عنوان موضوع نقض حقوق بشر شدیداً به توسعه جامعه به طور عام و بر وضعیت خود زنان به طور خاص تأثیر می‌گذارد.
یکی از مراجع بین‌المللی معتبر و مورد قبول کشورهای جهان، سازمان ملل متحد می‌باشد سازمان ملل متحد در طول عمر پیدایش تاکنون در خصوص وقایع و اتفاقات و دغدغه‌ها و موضوعات مهم جهانی، مثل «خشونت خانگی علیه زنان» مبادرت به صدور اسنادی نموده است. گروهی از آن اسناد تحت عنوان

«خشونت خانگی» تدوین و تصویب شده است و گروهی دیگر از آن اسناد تحت عناوینی غیر از خشونت خانگی بوده ولی حاوی مواد و مقرراتی هستند که ناظر به اعمال خشونت خانگی می‌باشند.

پژوهش پیشرو می‌خواهد بررسی نماید که اسناد بین‌المللی از زنان خشونت دیده خانگی حمایت نموده‌اند یا خیر؟ اگر حمایت نموده‌اند به چه شیوه‌ای؟ باید اذعان نمود عمده‌ی اسناد و مصوبات متعدد سازمان مللکه در زمینه «خشونت» و پاسخ به «خشونت علیه زنان، خصوصاً خشونت خانگی» وجود دارد، بیشتر سمبلیک و نمادین هستند. از میان اسناد بین‌المللی موجود که به حمایت از زنان خشونت دیده خانگی پرداخته است، به نظر می‌رسد سه سند مهمتر از بقیه اسناد بین‌المللی می‌باشند که آنها عبارتند از: یک - کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان مصوب سال ۱۹۷۹، دو - اعلامیه رفع

۱. ابوالحسن، سلامه، طه، فریده، خشونت خانگی [بررسی حقوقی - جرم‌شناسی اسناد سازمان ملل]، تهران، نشر میزان،

خشونت علیه زنان مصوب سال ۱۹۹۳ و سه-اعلامیه چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن چین مصوب سال ۱۹۹۵ معروف به «کار پایه عمل».

حمایت آن اسناد را از زنان خشونت دیده خانگی بدین صورت می‌توان بیان نمود:

یک- از کلیه کشورها خواسته شده که به موجب قانون، حق برخورداری همه افراد از زندگی عاری از خشونت را به رسمیت بشناسند و خشونت علیه زنان خصوصاً خشونت خانگی را محکوم و به عنوان نقض حقوق بشر تعریف و شناسایی نمایند.

دو- تشویق و ترغیب کشورها نسبت به قانون گذاری و جرم انگاری و کیفرگذاری نسبت به عاملان و مرتکبین و بزهکاران خشونت علیه زنان خصوصاً خشونت خانگی و همچنین تدبیری برای اصلاح و درمان آنها و تدبیری برای حمایت همه جانبه از زنان خشونت دیده خانگی و تدبیری برای پیشگیری از وقوع آن.

در راستای این موضوع ماده یک اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب سال ۱۹۹۳ بیان داشته «دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که در صورت فقدان قوانین در راستای محکوم کردن گونه‌های مختلف خشونت بر زنان اقدام به تصویب قوانین در این زمینه نمایند. د. زمینه‌های تصویب قانون که در این اعلامیه به کشورهای عضو پیشنهاد شده، وضع و تصویب قوانین به منظور ممانعت و مجازات اعمال خشونت آمیز علیه زنان، تصویب و همچنین اتخاذ سیاست‌ها و رویه‌هایی است که از بزه دیدگی زنان جلوگیری و سلامتی و امنیت آنان را تضمین نماید».

سه- تهیه و تدوین مدل‌ها و نمونه‌های قانون گذاری در خصوص خشونت خانگی و ارائه آن به کشورها تا در قانون ملی خودشان از آنها بهره مند شوند.

هدف از تهیه و انتشار مدل قانون گذاری، راهنمایی و کمک به کشورها در امر قانون گذاری جامع و کامل در خصوص موضوع خشونت خانگی علیه زنان برای نیل به اهداف ذیل می‌باشد:

۱. انطباق با استانداردهای بین‌المللی اعمال مجازات
۲. شناسایی و به رسمیت شناختن این مساله که خشونت خانگی، خشونت خاص جنسیتی بوده که مستقیم‌اً علیه زنان صورت می‌گیرد و در خانواده در بین روابط میان فردی بروز می‌یابد.
۳. قانون گذاری ویژه که خشونت علیه زنان را در روابط خانوادگی و میان فردی ممنوع کرده و از بزه دیدگان چنین اعمال خشونت آمیزی حمایت نموده و از اعمال و بروز خشونت بیشتر پیشگیری نماید.

۴. ایجاد سازوکاری برای جبران سریع خسارت به طور گسترده [شامل جبران خسارات به موجب قانون خاص خشونت خانگی، جبران خسارات به موجب قوانین عام کیفری و حقوقی]. برای پیشگیری از خشونت خانگی و آزار و اذیت زنان در روابط میان فردی و در درون خانواده و همچنین حمایت از زنان در صورت بروز خشونت.
۵. تضمین برخورداری بزه دیدگان خشونت خانگی از حداکثر حمایت‌های لازم در مواردی که خشونت فیزیکی، جنسی و روانی بروز می‌یابد.
۶. ایجاد سازوکارهای اداری، اجرایی، فراهم کردن خدمات و تدوین برنامه‌ها از جمله برنامه‌های مشاوره و برنامه‌های کارآفرینی در کمک به بزه دیدگان خشونت خانگی.
۷. تسهیل اجرای قوانین کیفری و اعمال مجازات برای خشونت علیه زنان در روابط میان فردی.
۸. ارائه و فراهم کردن خدمات حمایتی جامع به وسیله قانون از جمله موارد زیر:
 - الف- خدمات اضطراری برای بزه دیدگان و خانواده‌هایشان
 - ب- حمایت از برنامه‌هایی که نیازهای خاص بزه دیدگان و خانواده‌هایشان را برطرف می‌کند.
 - ج- توسعه اختیارات ماموران پلیس برای کمک به بزه دیدگان و اجرای قانون به طور مؤثر و همچنین برابری از بروز خشونت‌های بیشتر.
 - د- آموزش قضات برای آگاهی از مسائل مربوط به حضانت کودک، حمایت مالی و امنیت بزه دیدگان در خشونت خانگی، از طریق تدوین دستورالعمل‌هایی در خصوص صدور قرارهای حمایتی و همچنین مقرراتی که موید اهمیت اعمال مجازات برای خشونت خانگی می‌باشد.
 - ه- آموزش ارائه مشاوره و برنامه‌های درمانی برای مرتکبان و بزه دیدگان
 - و- ارائه برنامه‌هایی با هدف کمک به پیشگیری و حذف خشونت خانگی که شامل ارتقای آگاهی عمومی و آموزش عمومی پیرامون موضوع خشونت خانگی می‌باشد.
 - ز- آموزش مشاوران برای حمایت از پلیس، قضات و بزه دیدگان خشونت خانگی و برای اصلاح مرتکبان خشونت خانگی
 - ح- گسترش فهم و درک بیشتر جامعه از مساله خشونت خانگی و علل آن و تشویق مشارکت جامعه برای ریشه کن نمودن خشونت خانگی.^۱

النهاییه می‌توان گفت اسناد بین‌المللی، زنان خشونت دیده خانگی را مورد نگاه و حمایت جدی خود قرار داده است و نحوه حمایت به این صورت است که با تدوین و ارائه مدل‌ها و نمونه‌هایی از کشورها خواسته شده در قانون ملی خودشان، خشونت خانگی خصوصاً علیه زنان را محکوم نموده و آن را به عنوان نقض حقوق بشر شناسایی و معرفی نمایند و نسبت به آن جرم‌انگاری نموده و عاملان آن را مورد تعقیب و تحقیق، محاکمه و مجازات و اصلاح و درمان قرار دهند و بزه‌دیدگان آن را مورد حمایت قانونی همه‌جانبه (عاطفی، پزشکی، مالی، اجتماعی، حقوقی و کیفری) قرار دهند.

بخش دوم: شیوه حمایت از زنان خشونت دیده خانگی در نظام حقوقی ایران

اصل وجود خشونت خانگی علیه زنان در همه جوامع امری بدیهی و غیر قابل انکار است که باید برای مقابله، مهار و کاهش آن به فکر چاره و راه حل بود. نظام حقوقی هر کشوری به عنوان ابزاری مهم در جهت رفع خشونت خانگی علیه زنان مطرح می‌باشند. نظام حقوقی هر کشوری شامل مجموعه مقررات ماهوی و شکلی در امور کیفری و مدنی می‌باشند. پژوهش پیشرو می‌خواهد بررسی نماید که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، از زنان خشونت دیده خانگی حمایت نموده یا خیر؟ اگر حمایت نمود به چه شیوه‌ای؟ شیوه حمایت نظام حقوقی ایران از زنان خشونت دیده خانگی را از دو بعد مقررات ماهوی و شکلی در امور کیفری و بعد مقررات ماهوی و شکلی در امور مدنی مورد اشاره قرار می‌دهیم.

الف- شیوه حمایت مقررات ماهوی و شکلی کیفری ایران از زنان خشونت دیده خانگی

زنان خشونت دیده خانگی به اشکال مختلف «بدنی، لفظی، روحی و روانی و عاطفی، جنسی، مالی» مورد خشونت توسط شوهر در خانه قرار می‌گیرند و از لحظه خشونت دیدگی تا زمان درمان و بازیابی خودشان نیاز به حمایت‌های مختلفی «همچون پزشکی، عاطفی و حیثیتی، مالی، اجتماعی، حقوقی و کیفری» دارند. نظام حقوق کیفری ایران، هم از بعد ماهوی [در قانون مجازات اسلامی] و هم از بعد شکلی [در قانون آیین دادرسی کیفری] با وضع قواعد و مقرراتی عام و بعضاً به طور خاص، به حمایت کیفری از زنان خشونت دیده خانگی پرداخته که آنها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

یک- شیوه حمایت مقررات ماهوی کیفری ایران از زنان خشونت دیده خانگی

در مقررات ماهوی کیفری ایران، قانونی جامع کامل مربوط به خشونت خانگی علیه زنان وجود ندارد. ولی هنوز جهت بررسی و تصویب تقدیم مجلس یازدهم شورای اسلامی ایران نشده است. مقررات

ماهوی کیفری ایران، امروزه در خصوص خشونت خانگی علیه زنان، قانون مجازات اسلامی (مربوط به حدود قصاص و دیات (مصوب سال ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی) مربوط به تعزیرات (مصوب سال ۱۳۷۵ و قانون حمایت خانواده) فصل هفتم - مقررات کیفری (مصوب سال ۱۳۹۱ می باشد. گرچه در آن قوانین چیزی تحت

عنوان «خشونت خ انگی» که جرم انگاری شده وجود ندارد. ولکن در آن قوانین، اشکال مختلف خشونت های خانگی علیه زنان در قالب حکم عام و کلی مثل قتل و آسیب کمتر از قتل به زن توسط شوهر [مواد 382، 387، 388، 428 قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲]، توهین و فحاشی شوهر به زن [ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵] و یا در قالب حکم خاص مثل [ترک نفقه زن غیر ناشزه در نکاح دائمی توسط شوهر] ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱]، زناشویی منتهی به افضای زن [بند الف و ب ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲]، ممنوعیت قانونی ازدواج با دختر کمتر از سیزده سال شمسی [ماده 50 قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱] و عدم ثبت ازدواج دائم و عدم ثبت ازدواج موقت در مواردی که ثبت آن الزامی است. عدم ثبت طلاق، عدم ثبت فسخ نکاح، عدم ثبت رجوع، استنکاف از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق توسط شوهر [ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱] جرم انگاری شده و برای شوهر خشونت گر تعیین مجازات شده تا شوهر بزهکار تنبیه، مهار و کنترل شود و موجب تشفی خاطر زن خشونت دیده خانگی شود. پس بدین صورت مقررات کیفری ماهوی ایران از زن خشونت دیده خانگی حمایت نموده است.

دو - شیوه حمایت مقررات شکلی کیفری ایران از زنان خشونت دیده خانگی

یکی از حمایت هایی که از زن خشونت دیده خانگی می توان به عمل آورد، حمایت از طریق مقررات شکلی کیفری یا آئین دادرسی کیفری می باشد. در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقررات خاص و ویژه مربوط به زنان خشونت دیده خصوصاً خشونت خانگی در نظر گرفته نشده است بلکه حقوق و حمایت از زنان خشونت دیده خانگی را تحت عنوان «بزه دیده» در آن قانون می توان مشاهده نمود. و به موجب ماده ده آن قانون: «بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد، چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند «شاکیه» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند «مدعی خصوصی» نامیده می شود. پس بنابراین از دیدگاه آن قانون، چنانچه زن خشونت دیده خانگی، تعقیب مرتکب خشونت «شوهرش» را درخواست کند «شاکیه» و هرگاه جبران ضرر و

زیان را مطالبه کند «مدعی خصوصی» می‌نامند. اهم حقوق و حمایتی که آن قانون از زن بزه دیده «خشونت خانگی» به عمل آورده است عبارت است از: بزه دیده از حقوق خود در فرایند دادرسی باید آگاه شود و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود [ماده ۶]، قابل مطالبه بودن زیان مادی و معنوی [ماده ۱۴]، تکلیف به ضابطان دادگستری به اینکه شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت های حقوقی آگاه سازند [ماده ۳۸]، در صورت امکان، استفاده از ضابطان آموزش دیده زن در بازجویی و تحقیقات از زنان [ماده ۴۲]، غیر علنی بودن در رسیدگی به امور خانواده در دادسرا و در دادگاه [ماده ۱۹۲ و بند د ماده ۳۵۲]، وجود امکان تأسیس دادسرا و یا تخصیص شعبه یا شعبی از محاکم کیفری برای رسیدگی به خشونت خانگی علیه زنان [مواد ۲۵، ۵۶۶]، بهره گیری از پزشکی قانونی در معاینه جراحات، آثار علائم ضرب و صدمات جسمی، آسیب‌های روانی به زنان خشونت دیده [ماده ۱۳۶]، عدم تحمیل هزینه فرایند دادرسی کیفری و هزینه حمایت از بزه دیده و خانواده او در برابر تهدیدات بزه دیده [ماده ۶۲]، در صورت عدم تمکن مالی معافیت از پرداخت هزینه شکایت کیفری و هزینه دادرسی [ماده ۵۵۹]، افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده و شهود ممنوع است و چنانچه احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیات بزه دیده باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ نمودن [مواد ۴۰، ۱۰۱، ۳۵۳]، به منظور حمایت از بزه دیده یا شاهده و مطلع او و خانواده آنها در برابر تهدیدات و در صورت ضرورت انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطین دادگستری دستور دادن [ماده ۹۷]، در مواردی که دسترسی به اطلاعات فرد بزه دیده از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیتی بزه دیده را به همراه داشته باشد، قاضی مربوطه باید تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند [ماده ۱۰۲] اگر آزاد بودن متهم موجب به خطر افتادن شاکی یا شهود یا خانواده آنها باشد می‌توان متهم را بازداشت موقت نمود [بند پ ماده ۲۳۸]

ب- شیوه حمایت مقررات ماهوی و شکل مدنی از زنان خشونت دیده خانگی
 زنان خشونت دیده خانگی در نظام حقوقی ایران از بعد مقررات ماهوی و شکلی مدنی مورد حمایت قرار گرفته‌اند که آنها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

یک- شیوه حمایت مقررات ماهوی مدنی ایران از زنان خشونت دیده خانگی در مقررات ماهوی مدنی ایران، مقررات ماهوی مدنی که جامع و کامل به حمایت از زنان خشونت دیده خانگی پرداخته باشد وجود ندارد. امروزه مقررات ماهوی مدنی ایران که بعضاً با حکم عام و کلی یا بعضاً با حکم خاص و ویژه به حمایت از زنان خشونت دیده خانگی پرداخته باشد، قانون مدنی ایران است.

به موجب قانون مدنی ایران، همین که نکاح به طور صحت واقع شود. روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود [ماده ۱۱۰۲] و زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند [ماده ۱۱۰۳] و هر امری که خلاف حسن معاشرت باشد خشونت و سوء معاشرت تلقی می‌شود. خشونت در حکم آتش است و ذات آتش سوزاندن و نابود کردن و خسارت به بار آوردن است. سوء معاشرت هر یک از زوجین موجب بروز نفرت و تنفر و خشونت زایی و تنش آفرینی و ایجاد ناامنی در فضای خانه و خانواده می‌شود و زمینه یکی از موجبات انحلال عقد نکاح که «طلاق» باشد را به وجود می‌آورد. قانون مدنی ایران به زن اجازه داده در برابر سوء معاشرت غیر قابل تحمل و طاقت فرسای شوهر، به چهار صورت مبادرت به انحلال عقد نکاح «طلاق» بنماید و خودش را از چنگال شوهر خشونت گر رهایی داده و نجات بدهد.

یک- با درخواست طلاق از جهت عسرو حرج داشتن [موضوع ماده ۱۱۳۰ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴ و تبصره الحاقی ۱۳۸۱/۴/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام] عسر و حرج عبارت است از بوجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد «مثل ضرب و شتم یا هر گونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد» پس در صورتی که دوام زوجیت موجب عسرو حرج باشد، زوجه می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسرو حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

دو- طلاق با لحاظ تخلف شوهر از شرط ضمن العقد نکاح [موضوع ماده ۱۱۱۹] مثل اینکه طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد ازدواج نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازمه دیگر بنمایند. مثل این که شرط شود، هر گاه شوهر بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توكیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.

سه - طلاق خلعی [موضوع ماده ۱۱۴۶] طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد. اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.

چهار - طلاق بلحاظ اظهار عجز یا استنکاف شوهر از پرداخت نفقه [موضوع ماده ۱۱۲۹] در عقد ازدواج دایمی، نفقه زن غیر ناشزه به عهده شوهر است [ماده ۱۱۰۶] و زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند، در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم می‌نماید. [ماده ۱۱۱۱] در صورت عجز شوهر یا استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کرد و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید.

قابل ذکر است، تهیه مسکن توسط شوهر برای زن جز نفقه زن است [ماده ۱۱۰۷ اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹] و زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد [ماده ۱۱۱۴] اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زین باشد، زن می‌تواند [مسکن علیحده] اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکمبازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه به عهده شوهر خواهد بود [ماده ۱۱۱۵] و در این خصوص مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکناى زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی، محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین، منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربایی نباشد، خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد [ماده ۱۱۱۶] تجربه نشان داده زنانی که مورد خشونت خانگی توسط شوهر قرار می‌گیرند بعضی از آنها فرار را بر قرار ترجیح داده و از خانه شوهر فرار و در صورتی که جای امنی برای رفتن نداشته باشند به خیابان‌ها و پارکها پناه می‌برند و اغلب چنین زنانی طعمه سودجویان ناباب اجتماعی شده و زمینه بیچارگی و انحرافات اخلاقی آنها را آماده می‌کنند.

از سال ۱۳۷۸ توسط سازمان بهزیستی کشور نهادی تحت عنوان (اورژانس اجتماعی) تأسیس شده که یکی از وظایفشان حمایت و پناه دادن به زنان خشونت دیده خانگی می‌باشد.

سازمان اورژانس اجتماعی در استان تهران با داشتن سامان سراهایی همچون سامان سرای لویزان (که مرکز نگهداری شبانه روزی است) و سامان سرای صباشهر و سامان سرای اسلامشهر به حمایت از زنان

بی پناه و ولگرد و معتاد و متکدی و یا با خانه‌های سلامت به حمایت از دختران بی پناه و فراری از خانه و با داشتن شلتر و خانه‌های امن جهت امکان موقت و یا اسکان دائم به حمایت از زنان خشونت دیده خانگی توسط شوهران می‌پردازند. زنان خشونت دیده خانگی و زنان بزه دیده و افرادی که از خانه خود طرد می‌شوند می‌توانند با مراجعه‌ی مستقیم یا تماس با خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی وضعیت بحرانی خود را گزارش دهند و تا زمان ارجاع به خانه امن در خوابگاه اورژانس اجتماعی باقی می‌مانند. مددکاران سازمان پس از مستندسازی و تشکیل پرونده با اخذ حکم قضایی این افراد را به خانه امن معرفی می‌کنند. در زمان اسکان به شکل موقت و یا دائم آموزش‌های متعددی را در مهارت زندگی، کنترل خشم و امید به زندگی به آنها داده می‌شود.

به هر جهت احداث خانه‌های امن منجر به جلوگیری از خشونت‌های خانگی و آسیب پذیری زنان نخواهد شد اما می‌توان با نظارت اجتماعی و تشکیل سازمان‌های حمایتی و نگهداری آنان در خانه امن از میزان صدمات وارد علیه آنان کاهش داد.^۱

دو - شیوه حمایت مقررات شکلی مدنی ایران از زنان خشونت دیده خانگی

گرچه تصویب مقررات مربوط به فرایند دادرسی یا آیین دادرسی معمولاً باید فارغ از نگرش تبعیض آمیز جنسیتی صورت پذیرد با این وصف در مقررات دادرسی‌های کشورهای تمهیدات و ملزومات چندی برای تضمین حداکثری دفاع از حقوق زنان پیش بینی شده است.

حقوق و شیوه حمایت از زنان خشونت دیده خانگی را در فرایند دادرسی مدنی ایران، امروزه در سه قانون می‌توان مشاهده نمود.

یک- در قانون آیین دادرسی مدنی در دادگاههای عمومی و انقلاب ایران مصوب سال ۱۳۷۹ دو - قانون حمایت خانواده ایران مصوب ۱۳۹۱

سه- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب 1383/6/31 که آنها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

یک- شیوه حمایت قانون آیین دادرسی مدنی ایران از زنان خشونت دیده خانگی

حقوق آیین دادرسی مدنی، قواعدی است که روش افراد را برای بدست آوردن حقوق مدنی و یا دفاع از آن در مقابل دادگاه بیان می‌نماید. به این جهت می‌توان گفت، حقوق آیین دادرسی مدنی قسمت

^۱ میرشفیعیان، سمیراسادات، نقش اورژانس اجتماعی در حمایت از زنان بزه دیده، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تأسیس

مکمل قانون مدنی است زیرا بدون آن صاحب حق نمی‌تواند حمایت از حقوق خود را از قوه حاکمه بخواهد.^۱ اما موادی از قانون آیین دادرسی مدنی در دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۹ که به حمایت و حقوق از زنان خشونت دیده خانگی توجه نموده است عبارت است از:

سوگند در ایلای قانون توکیل نمی‌باشد [تبصره دو ماده ۳۵] ایلای یعنی مرد قسم بخورد با همسر دایمیخود که بعد از عقد با او نزدیکی کرده تا ابد یا بیشتر از چهار ماه به قصد ضرر رسانده با او نزدیکی نکند.^۲ صدور گواهی عدم امکان سازش یا صدور حکم به طلاق [بلحاظ اینکه دعوی غیر مالی تلقی می‌شود] قابل تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی می‌باشد [بند ب ماده 331، بند الف ماده 367 و بند الف ماده 368] صدور قرار تأمین خواسته [ماده 108]

در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد، ابلاغ اوراق قضایی در محل سکونت یا محل کار زن به عمل می‌آید [تبصره دو ماده ۳۸]

دو- شیوه حمایت قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ از زنان خشونت دیده خانگی

خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و باید از پشتیبانی جامعه برخوردار باشد [بند ج ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸] خانواده و نقش آن در پیشبرد جامعه به قدری با اهمیت است که مورد حمایت مقنن قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته است.

اولین قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و دومین آن مصوب سال ۱۳۵۳ و سومین آن مصوب سال ۱۳۹۱ می‌باشد موادی که قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ به حمایت و حقوق از زنان خشونت دیده خانگی پرداخته را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

تشکیل جلسه دادرسی با حضور قاضی مشاور زن [ماده ۲]، معافیت دادگاه خانواده از رعایت تشریفات آیین دادرسی [ماده ۸]، در صورت عدم تمکن مالی زن امکان بهره مندی از وکیل معاضدتی و معافیت از پرداخت هزینه دادرسی و حق الزحمه کارشناسی و داوری [ماده 5]، صدور دستور موقت بابت نفقه زن قبل از ورود به رسیدگی [ماده ۷] در غیر از مطالبه مهریه غیرمنقول در دعاوی خانوادگی، زوجه می‌تواند در محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوا کند [ماده 12]، چنانچه زوجین دو یا چند دادخواست علیه یکدیگر در یک روز تسلیم کرده باشند، دادگاهی که

۱ امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات الاسلامیه، چاپ بیست و دوم، جلد چهارم، 1391، ص 118

۲ احسینی شیرازی، سید صادق، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات رشید، چاپ بیست و هفتم، 1393، ص 505

صلاحیت رسیدگی به دعوی زوجه را دارد به کلیه دعوی رسیدگی می‌کند] ماده ۱۳، دادگاه در رأی طلاق تکلیف دارد که کلیه حقوق مالی و غیر مالی زوجه را معین و مقرر نماید] ماده ۲۹، دادگاه در حکم طلاق باید به نمایندگی سردفتر ثبت طلاق در اجرای صیغه طلاق در صورت امتناع زوج تصریح نماید] تبصره ماده ۳۳، الزامی بودن گواهی پزشک ذی صلاح در مورد جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند] ماده ۳۱ سه - شیوه حمایت «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۸۳» از زنان خشونت دیده خانگی یکی از مقرراتی که در ایران به حمایت از جامعه زنان و زنان خشونت دیده و خصوصاً خشونت خانگی پرداخته است «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب 1383/6/31 شورای عالی انقلاب فرهنگی» می‌باشد آن منشور در صدد ارائه دیدگاههای نظام جمهوری اسلامی ایران منطبق با فقه شیعه و نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسائل زنان می‌باشد و در حمایت از زنان خشونت دیده خانگی اشاره دارد.

حق و مسئولیت تأمین، تخصیص، طهارت و سلامت در ارتباط جنسی با همسر قانونی و حق اعتراض قانونی در صورت نقض آنها] بند ۲۹، حق و مسئولیت سکونت مشترک و حسن معاشرت و تأمین امنیت روانی در روابط با همسر و حق اعتراض و طرح دعوا در مراجع قانونی در صورت سوء معاشرت همسر] بند ۳۰، حق جدایی از همسر در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به دادگاه و ارائه دلایل موجه و مسئولیت رعایت قوانین طلاق] بند ۴۰، حق برخورداری از زنان از آموزشهای حقوقی] بند ۱۳۱، حق برخورداری از محاکم خاص خانواده در جهت حفظ اسرار، ایجاد صلح و سازش در خانواده و تسهیل در حل و فصل اختلافات] بند ۱۳۳، حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری زن در صورت تعرض و بزه دیدگی] بند ۱۳۴، حق اقامه دعوی و دفاع در نزد محاکم دادگستری وسایر مراجع

قانونی] بند ۱۳۶، حق استفاده از وکیل و مشاور حقوقی در دادگاه و یا سایر مراجع قانونی] بند ۱۳۷، حق حمایت برخورداری از حمایت‌های همه جانبه دستگاه قضایی با عوامل زمینه ساز جرائم علیه زنان] بند ۱۳۸، حق برخورداری از حمایت‌های قضایی از سوی مدعی العموم علیه ولی و سرپرست فاقد صلاحیتو دیگر متجاوزان به حقوق آنان] بند ۱۴۸]

نتیجه

خشونت خانگی علیه زن، واقعیتی آزار دهنده و غیر قابل انکار است و به نقض حقوق بشر زنان، در دنیای امروز می‌باشد، و آن یک بلای جهانی است که پیکره خانواده و جامعه را تخریب و سلامتی افراد را ته دید می‌کند، و آن علاوه بر جنبه‌های حقوقی و اخلاقی، عواقب جسمی، روانی و اجتماعی متعددی دارد، که می‌تواند سلامت زنان، خانواده و جامعه را به خطر اندازد. اهمیت این امر به قدری است که همگان بای د برای حمایت از بزه دیده آن که زنان باشند، کوتاهی نکنند. سازمان ملل به عنوان هماهنگ کننده کشورها و سیاست ساز، با صدور اسناد الزام آور و ارشادی خود، گام‌های بسیار ارزشمند و مفیدی و مؤثر را برداشته تا دولت‌ها در قانون ملی خود، نسبت به قانون گذاری خشونت خانگی اقدام و آن را جرم انگاری نم این د و برای مرتکب آنت عین مجازات مناسب و برای بزه دیده آن تدابیری و سازو کارهای همه جانبه فوری و مؤثر برای حم آیت و جبران خسارات وارده بر زن خشونت دیده خانگی، تدوین و مهیا نمایند. متعاقب آن، اغلب کشورها به تبعیت از اسناد بین‌المللی، با بازنگری و اصلاح در قانون ملی خود و یا با قانون گذاری خشونت خانگی در قانون ملی خود، گام‌های خوبی در حمایت از زنان خشونت دیده خانگی برداشته‌اند. بعضی از کشورها مثل جمهوری اسلامی ایران دچار عقب ماندگی از موازین بین‌المللی می‌باشند. گرچه دولت ایران، نسبت به قبل از انقلاب اسلامی، گام‌های مفید و موثری را در حق زنان جامعه و حم آیت از زنان خشونت دیده خانگی برداشته، ولی گام‌های برداشته شده، نسبت به گام‌های باقیمانده کافی ن است. امید به روزی که خلاها را پر و جبران کرده باشیم، تا مورد شماتت در عقب ماندگی در حم آیت از حقوق زنان و حمایت از زنان خشونت دیده خانگی قرار نگیریم.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابوالحسنی، سلامه، طه، فریده، خشونت خانگی [بررسی حقوقی - جرم شناختی - اسناد سازمان ملل]، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۶
۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ بیست و دوم، جلد چهارم، ۱۳۹۱
۳. حسینی شیرازی، سید صادق، رساله توضیح المسائل - قم، انتشارات رشید، چاپ بیست و هفتم، سال ۱۳۹۳
۴. میرشفیعیان، سمیراسادات، نقش اورژانس اجتماعی در حمایت از زنان بزه دیده، تهران، نشر

- میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۸
۵. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
 ۶. قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۹
 ۷. قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲
 ۸. قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۲
 ۹. قانون حمایت خانواده جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۱
 ۱۰. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
 ۱۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸